



پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

موضوع:

وجوه سیاسی اندیشه انتقادی محمد ارکون

رشته: علوم سیاسی

گرایش: اندیشه سیاسی

استاد راهنما: دکتر صدرا

استاد مشاور: دکتر فیروزی

دانشجو: محمد هدایت

شماره دانشجویی:

۲۱۰۱۸۸۱۱۲

الله نور السموات والأرض

الله

سپاسنامه

این رساله گرچه به ظاهر محصول تلاش های فردی و دلمشغولی شخصی بوده است ولی باید اذعان کنم که این ظاهر همانند همه ظواهر فریبی بیش نیست. زیرا خود می دانم که آن را باید محصول نفوذ کلام کسانی دانست که چنین دلمشغولی هایی را در ذهنم کاشته اند. دلمشغولی های فلسفی برای هرکسی که با جهان اندیشه سروکار دارند، تمام دارایی و بود و نبود شان است. به همین خاطر خود را مدیون تمام کسانی می دانم که سهمی در ایجاد دلمشغولی ها و پرسش های فلسفی برای من داشته است. بدون شک برشمردن همه آن ها مقدور نیست. ولی در این جا به طور خاص از جناب دکتر صدرا که راهنمایی این اثر را به عهده داشته است و هم چنین از دکتر فیرحی که به حیث استاد مشاور نکات ارزشمندی را یادآور شده و در خلق این اثر سهم مهم داشته است، سپاسگذاری می کنم. هم چنین جا دارد از کلیه اساتید بزرگ و نامدار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که هر درس شان بازگشایی جهان جدیدی برای من بوده است، اظهار قدردانی و سپاس کنم.

چکیده

عنوان این تحقیق "وجوه سیاسی اندیشه انتقادی محمد ارکون" است. محمد ارکون (۱۹۲۸-۲۰۱۰) یکی از متفکران متاخر است که هم اندیشه های خاص و قابل توجه در زمینه مطالعه آموزه های دینی دارد. وجوه سیاسی اندیشه انتقادی محمد ارکون از آن جهت حایز اهمیت است که امروزه مباحثی چون رابطه دین و دولت و سنت و تجدد، هنوز پس از سال ها هم چنان در نزد بیشتر متفکران مسلمان لاینحل باقی مانده است. آرکون با آشنایی عمیقی که هم از مکاتب فکری و فلسفی متاخر غرب دارد و هم از تمدن تاریخی اسلام، روشی نو را در پژوهش و مطالعه آموزه های اسلامی بنیاد می نهد که خود آن را "نقد عقل اسلامی" و گاهی نیز "اجتهاد نو" می نامد. نقد عقل اسلامی از نگاه آرکون بازاندیشی در بنیادهای نظری آموزه های دینی و نحوه مواجهه با امر دینی است. انسان مسلمان معاصر اگر بخواهد هم دیندار باشد و هم در دنیای جدید زندگی کند باید هر آن چه را که به عنوان امر دینی قبول می کند، پیش از آن در باره آن بیندیشد و با عقل روزگار خویش آن را فهم کند و آن گاه هضم نماید. به همین خاطر دیگر در فهم روزآمد آموزه های اسلامی، نه زبان رساله شافعی رسا است و نه دیالکتیک منفی سنت و تجدد در نگاه اسلام سیاسی معاصر کارساز.

رساله حاضر سعی کرده است که این فرآیند را توصیف و تاحدی نیز تحلیل کند و به خواننده فارسی زبان

شمه ای از اندیشه ای ارکون را بنمایاند.

فهرست مطالب

- ۱ بسم الله الرحمن الرحيم
- ۱ طرح تحقیق
- ۱ بیان مساله
- ۴ اهمیت و ضرورت پژوهش:
- ۵ نتیجه و کاربرد پژوهش
- ۵ پیشینه تحقیق (ادبیات موضوع)
- ۹ مفروض ها
- ۹ سوال اصلی
- ۱۰ سوالات فرعی
- ۱۰ فرضیه
- ۱۱ واژگان و مفاهیم اساسی
- ۱۱ روش تحقیق
- ۱۲ مشکلات و تنگناهای پژوهش
- ۱۴ در آمد
- ۱۴ زندگی، آثار و اهمیت محمد ار کون

زندگی.....	۱۴
آثار محمد ارکون.....	۱۸
فصل اول.....	۲۵
روش شناسی محمد ارکون.....	۲۵
مقدمه.....	۲۵
روش شناسی ارکون.....	۲۸
۱- نقد زبانی.....	۳۲
۲- نقد تاریخی.....	۳۴
۳- نقد انسان شناختی.....	۳۷
۴- نقد فلسفی.....	۳۸
نقد عقل اسلامی؛ نقطه عزیمت ارکون.....	۴۰
ویژگی های عقل اسلامی.....	۴۴
عقل اسلامی کلاسیک.....	۴۵
انواع عقل اسلامی.....	۴۸
گفتمان های معاصر عقل اسلامی.....	۵۱
نا اندیشیده و اندیشه ناپذیر در نگاه ارکون.....	۵۲
مراحل اساسی عقل اسلامی.....	۵۳

- ۱- عصر نزول قرآن..... ۵۴
- ۲- عصر طلایی و عقلانیت تمدنی..... ۵۴
- ۳- عصر مدرسی گری (عصر انحطاط)..... ۵۵
- ۴- عصر رویارویی با مدرنیته غربی..... ۵۶
- سنت و تجدد؛ ماروای دوگانگی ها..... ۵۹
- ارزیابی روش انتقادی محمد ارکون..... ۶۳
- فصل دوم..... ۶۹
- دیالکتیک دین و جامعه: بازخوانی اندیشه سنتی..... ۶۹
- مقدمه..... ۶۹
- دیرینه شناسی و تبارشناسی در اندیشه ارکون..... ۷۳
- تبارشناسی..... ۷۳
- پارادایم شافعی؛ آغاز شکل گیری ارتدوکسی ها..... ۷۵
- ساختار کلی "رساله" شافعی..... ۷۷
- فلسفه سیاسی شافعی..... ۷۹
- بنیادهای مشروعیت در اسلام..... ۸۱
- رابطه زبان، حقیقت و قانون..... ۸۲
- رابطه تاریخ و حقیقت..... ۸۴

موقعیت مندی معنا در نزد شیعه و سنی	۸۶
عقل شفاهی و عقل کتابی	۹۲
ساختار کلی اندیشه سنتی	۹۵
۱- عقل (Logos)	۹۶
۲- خیال (Imagination)	۹۶
۳- حافظه (Memory):	۹۹
فصل سوم	۱۰۳
دیالکتیک سنت و تجدد؛ نقد اسلام معاصر	۱۰۳
دیالکتیک منفی سنت و تجدد	۱۰۳
دوگانه اندیشی در سنت و تجدد	۱۰۶
مفاهیم اصلی	۱۱۲
الف- سنت	۱۱۲
ب- تجدد	۱۱۷
ج- گفتمان اسلام معاصر	۱۳۷
فصل چهارم	۱۴۷
دین و عرفی انگاری در نگاه محمد ار کون	۱۴۷
مقدمه	۱۴۷

مفهوم سکولاریسم	۱۵۰
انواع سکولاریسم	۱۵۵
دین و سکولاریسم	۱۶۲
تجربه سکولاریسم در جهان غرب	۱۶۲
تجربه سکولاریسم در اسلام	۱۶۷
برآیندهای سکولاریسم	۱۷۸
۱- گفتگوی ادیان	۱۸۰
۲- حقوق بشر	۱۸۳
۳- دموکراسی	۱۸۴
۴- جامعه مدنی	۱۸۵
برآمد	۱۸۷
بازاندیشی در رابطه دین، اخلاق و سیاست	۱۸۷
دین، دنیا و دولت در اندیشه محمد ارکون	۱۸۷
ارزیابی کلی اندیشه محمد ارکون	۱۹۶
منابع و مآخذ	۱۹۸
منابع عربی	۱۹۸
منابع فارسی	۲۰۱
نشریات و جراید	۲۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح تحقیق

بیان مساله

شاید پس از رویارویی جهان اسلام با مدرنیته غربی، هیچ امری به اندازه تقابل سنت و تجدد، مهم نبوده و مورد مناقشه قرار نگرفته است. از روزی که غرب رو به ترقی نهاد و در مقابل، جهان اسلام هم چنان ایستا و راکد باقی ماند، طرح ها و انگاره های متعددی از سوی متفکران مسلمان و غیر مسلمان برای علاج این انحطاط ارایه گردیده است. واقعیت موجود، اما گویای این مطلب است که هیچ یک تاکنون موفق به جمع نسبی و معقول میان سنت و تجدد و در نتیجه علاج بحران های متوالی و شبکه ای، در جهان اسلام نشده است.

یکی از کسانی که طرح نسبتاً جدید و مانوس با فضا و ذهنیت کنونی بشر، در باره تعامل سنت و تجدد و امکان قرائت دوباره آموزه های اسلامی، ارایه می کند، اندیشمند الجزایری تبار، محمد ارکون (۱۹۲۸-۲۰۱۰)، است. او با بهره گیری از روش های موجود در علوم انسانی جدید به سراغ اندیشه های بنیادین دینی می رود و پروژه ای را طرح می کند که خود آن را "پروژه نقد عقل اسلامی" (مشروع نقد عقل الاسلامی) یا اجتهاد جدید نام می نهد. نقد عقل اسلامی در نگاه او نوعی معرفت شناسی تاریخی است که هم از شیوه روایی، هم از بندهای متافیزیک استعلایی و هم از قرائت خطی آموزه های اسلامی عبور می کند و یک ساختار معرفتی انتقادی کاملاً بدیع ارایه می دهد. شیوه روایی و اسکولاستیک که در قرائت متون دینی حاکم است، قیود متافیزیکی و استعلایی که احیاناً از فلسفه یونانی با قرائت سقراطی و افلاطونی وام گرفته شده است و نیز انگاره های منحصر بفرد از آموزه های اسلامی که مثال کامل آن در کسانی چون ابن تیمیه و اخلاف وی تبلور یافته است، دیگر

نمی توانند ذهنیت کثرت باور انسان معاصر را اقناع کرده و کارآمدی سابق را داشته باشد. به همین خاطر راه و رسم دیگر و شیوه ای نو لازم است. امری که ارکون در پی بنیادگذاری آن است.

روش محمد ارکون "انتقادی" به مفهوم خاص خود او است؛ او برای بسترسازی پروژه نقد عقل اسلامی مجموعه ای از روش ها و مکاتب روشی چون انسان شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی، زبان شناختی، تاریخی و... را گرد آورده و بنیاد نوی را بر می سازد. پروژه ای که ما می توانیم از آن به عنوان "روش انتقادی ارکونی" یاد کنیم.

ارکون معتقد است که عقل اسلامی هم اکنون در فضای ذهنی قرون وسطی قرار دارد و هنوز نتوانسته است خود را از دام تابوهایی که ایدئولوژی و قدرت برایش برساخته اند رهایی یابد. از نگاه او، "ناندیشیده ها"، "اندیشه ناپذیرها"، "اسطوره ها"، "خیالخانه ها" و در یک کلام مجموعه ای از نظام های باور جزمی بر ذهنیت جمعی و فردی مسلمانان هم چنان حاکم اند. تا زمانی که انسان مسلمان نتواند این تابوها را بشکند و قادر نباشد خود را از این تارهای مقدس برهاند، هرگز به فضای مدرن و در نهایت همگامی با تاریخ و زمانه دست نخواهد یافت.

ارکون در یک تقسیم بندی تاریخی نشان می دهد که چگونه عقل اسلامی در آغاز راه دچار ایستایی گردید و بدین ترتیب در دایره مجموعه ای از امور ناندیشیده و اندیشه ناپذیر قرار گرفت.

از نظر محمد ارکون رساله شافعی و منظومه فکری او به مثابه پارادایم ابدی اندیشه سیاسی قرار گرفته است. به همین خاطر ما اکنون می توانیم مسایلی چون "فلسفه سیاسی"، "معرفت شناسی قانون"، "رابطه حقیقت و تاریخ" و "رابطه زبان، تاریخ و قانون"، را در این رساله بازشناسیم، صورت بندی هایی که هم چنان در نزد همه مسلمانان، علی رغم تنوع و اختلافات شان، بنیاد تفکر اسلامی ارتدکسی و رسمی را پی می ریزد.

به نظر او سیر اندیشه در جهان اسلام به صورت یک قوس صعود و نزول بوده است که تا کنون ما در آخرین مرحله از نزول تاریخی آن قرار داریم. مسلمانان برای اینکه از این سقوط و تنزل بدرآیند، باید به تجربه های دیگران مراجعه کنند. دیگر زمان آن به سر آمده است که تنها به متون خودبسنده اکتفا کرد و برای آن ها مرجعیت تام و تمام در نظر گرفت. چرا که تجربه دیگر ادیان از جمله یهودیت و مسیحیت به ما آموخته است که مدرنیته غربی از زمانی آغاز شد که فیلسوفان توانستند اندیشه بشری را بر همه آموزه های دینی و غیر دینی حاکم کنند. به عبارت دیگر آن ها توانستند بنیادهای معرفت شناختی متون دینی را از طریق دیرینه شناسی و تبارشناسی آن ها کشف کنند. بنا بر این مسلمانان نیز اکنون چاره ای جز این کار ندارند.

از نگاه ارکون تاریخ اسلام با آموزه هایی چون لیبرالیسم، سکولاریسم، مدرنیسم و عقل انتقادی بیگانه نیست. اما مهم این است که چگونه می توان این مفاهیم را دوباره در متن اسلام قرائت کرد؟ او برخلاف جابری که از مفاهیم سیاسی چون شورا و دموکراسی در اسلام سخن می گوید، عامدانه می کوشد، تجربه های نوگرایی فکری و فلسفی کسانی چون ابن مسکویه، توحیدی، جاحظ، ابن رشد، و ... و عقل انتقادی متعزله، و نیز پلورالیسم معرفتی قرون چهارم و پنجم هجری را به یاد آورد. در همان حال نیز می کوشد نشان دهد که چگونه خواسته های ایدئولوژیکی افراد و جریانات سیاسی و نیز مقتضیات زمانه بر آموزه های اسلامی اثر گذاشتند و آن ها را به مثابه امور مقدس و فهم ناپذیر درآوردند. او از یک سو بر داشته های سنت، اما نه به صورت رسمی آن، بلکه به صورت انتقادی تکیه می کند و از سوی دیگر این توجه را معطوف به تجربه های بشری در دنیای معاصر، می سازد. بدین سان قرائتی از سنت، به مفهوم میراث اسلامی، ارایه می دهد که بیشتر دل در گرو اخلاق و وجه متعالی انسان دارد.

البته طرح انتقادی محمد ارکون تا حدی رادیکال به نظر می رسد، اما در عوض دارای این حسن است که هیچگاه قایل به گسست از سنت نیست و نمی خواهد مانند دیگر روشنفکران مسلمان آن را به کناری نهد و نسخه عبور از سنت را بیچد. بلکه ارکون معتقد است که دین به مثابه نیاز ضروری بشر، همواره مطرح بوده و خواهد بود. مهم این است که چگونه فهم و قرائت گردد. به

هرحال پیشنهاد محمد ارکون مبنی بر قرائت انتقادی آموزه های دینی و میراث اسلامی، تنها یک نوع فهم و طرح نامه بشری است، به همین خاطر مانند همه قرائت ها و روش ها، دارای ضعف ها و قوت هایی است و نیز هیچگاه نمی تواند سخن نهایی و آخرین مدل روش تفکر و اندیشه در مورد مطالعات اسلامی باشد.

اهداف پژوهش

هدف اساسی پژوهش شناساندن قرائت خاصی از دین و سیاست است که به نظر نگارنده بی بدیل می نماید. محمد ارکون اندیشمندی است که قرائت متفاوت و معقول از رابطه دین و دنیا ارائه می دهد ولی در میان فارسی زبانان به دلیل دشواری های زبان خاص او، ناشناخته مانده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

اهمیت و ضرورت این پژوهش از یکسو به اهمیت شخصیت علمی و جهانی ارکون باز می گردد و از سوی دیگر به بحران فکری و فلسفی در میان اندیشمندان مسلمان. محمد ارکون شخصیت شناخته شده و از معدود روشنفکران مسلمانی است که هم به زبان جهانی و منطق دنیای جدید سخن می گوید و هم با مبادی و مبانی فلسفه های جدید آشنایی عمیق دارد. به همین خاطر سخن ارکون، سخنی است در حوزه عمومی جهانی.

گذشته از اهمیت شخص ارکون، بحران فکری و فلسفی در جهان اسلام، همپای دیگر تحولات چنان عمیق و دامنه دار است که به گفته ارکون سابقه چندصد ساله دارد. این خواب عمیق و گران که بر سرنوشت فکری و فلسفی مسلمانان سایه افکنده است، جز با تلاش و کوشش در راه نوسازی فکری و فرهنگی، قابل حل نیست. ارکون خود یکی از زبده ترین روشنفکرانی است که راهکارهای بدیع و جذابی در این زمینه دارد. البته دستاوردهای عینی و راهکارهای عملی ارکون بیش از آنکه در قالب نظریه های سیاسی و اجتماعی نمایانده شده باشد، در روش و شیوه مطالعه، نهفته است. چه اینکه خود می گوید: وظیفه روشنفکر بیش از آن که جفت و جور کردن نظریه باشد، طرح پرسش های عمیق فلسفی در برابر میراث است.

نتیجه و کاربرد پژوهش

این پژوهش در پی این امیدواری است که بتواند به یمن اندیشه های جدید محمد ارکون، قرائتی دیگر و متفاوت در عرصه مطالعه و پژوهش آموزه های دینی در میان فارسی زبانان ارایه کند. چنان که ارکون به درستی تشخیص داده است، روش پژوهش و مطالعه در میان مسلمانان یا به شکل روایی و سنتی است که به طور مستقیم به سراغ متن می رود و گم شده خویش را از معنای ظاهر کلمات و واژه های می گیرد و یا به طور فیلولوژیک که شرق شناسان بنیاد گذاشته اند. از آن جا که هردو روش از نظر محمد ارکون عقیم هستند، لذا هیچ برآیند جدیدی را در پی نخواهند داشت. به همین خاطر او دست به شالوده شکنی در روش و متد پژوهش در متون اسلامی می زند و با بهره گیری از آخرین روش های موجود در علوم انسانی، روش انتقادی خاص خود را ارایه می دهد که خود "نقد عقل اسلامی" یا "اجتهاد نو" نام می گذارد. نگارنده معتقد است که اگر روش انتقادی محمد ارکون به درستی واکاوی گردد و مبنای مطالعه آموزه های دینی قرار گیرد، نتایج و ثمرات گرانقدری به بار خواهد آورد.

پیشینه تحقیق (ادبیات موضوع)

در باره اندیشه انتقادی محمد ارکون کتاب های متعددی به زبان های مختلف نگاشته شده است که به چند مورد که از اهمیت نسبی برخوردار است اشاره می گردد:

۱- "نگاهی به آرا و اندیشه های دکتر محمد ارکون"، مهدی خلجی، مرکز مطالعات فرهنگی -

بین المللی مدیریت مطالعات اسلامی، تهران، تابستان ۱۳۷۷.

این کتاب که در حقیقت اولین و تنها کتاب نگاشته شده به فارسی در باره آرا و اندیشه های محمد ارکون است، از چهار بخش عمده تشکیل گردیده است. مباحثی چون داستان دشواری ها و دغدغه ها، پیشینه ها و پشتوانه ها (مبادی و مبانی فکری)، آغازگاه ها و چشم اندازها و بازاندیشی انتقادی قرآن، در این کتاب آمده است. تمام بخش های این کتاب به طور عمده شامل روش های محمد ارکون در فرآیند مطالعه و قرائت سنت و میراث اسلامی است. آقای مهدی خلجی در مباحث

یاد شده به مقولاتی چون نقد عقل اسلامی، روش تاریخی مکتب آنال، روش فهم قرآن در پرتو روش های انتقادی جدید، مقایسه تئولوژی ادیان با همدیگر و تطبیق آن ها بر آموزه های اسلامی (اسلام شناسی تطبیقی)، مفهوم سنت، مفهوم مدرنیته و ... پرداخته است. بدون شک این کتاب پژوهش حاضر را در بخش های مختلف، به ویژه فصل روش شناسی و فهم کلید واژه های محمد ارکون، کمک شایانی خواهد کرد. ولی در این کتاب به اندیشه های سیاسی و وجوه سیاسی محمد ارکون چیزی نیامده است.

۲- نقد العقل الاسلامی عند محمد ارکون (نقد عقل اسلامی در نزد محمد ارکون)، مختار الفجاری، دارالطلیعه بیروت، سال ۲۰۰۵ میلادی.

کتاب "نقد عقل اسلامی در نزد محمد ارکون" از چهار بخش اصلی به شرح زیر تقسیم گردیده است:

الف: روش شناسی محمد ارکون،

ب: ساختار و مفهوم عقل اسلامی در نزد محمد ارکون،

ج: تاریخمندی عقل اسلامی در نزد محمد ارکون،

د: نمونه هایی از نوسازی عقل اسلامی معاصر در پرتو روش انتقادی محمد ارکون.

همانگونه که از عناوین فوق بدست در کل این کتاب به روش و روش شناسی محمد ارکونمی پردازد، به همین خاطر به فصل دوم تحقیق حاضر که به روش شناسی محمد ارکون اختصاص دارد، کمک شایانی خواهد کرد.

۳- التراث والمنهج بین ارکون و الجابری (سنت و روش در نگاه ارکون و جابری)، نایله ابی

نادر، الشبکه العربیه للابحاث والنشر، بیروت، سال ۲۰۰۸ میلادی.

کتاب "سنت و روش در نگاه ارکون و جابری" که مقایسه ای میان آرای این دو اندیشمند جهان عرب است، نیز بیشتر به مساله روش و نحوه نگاه ارکون و جابری به سنت می پردازد. چرا که در قدم نخست مساله روش در مطالعات اسلامی و آنگاه مساله سنت، هردو، به نوعی پروبلماتیک جهان اسلام و متفکران مسلمان به شمار می رود.

این کتاب به مسایلی چون مشکل نقد و روش انتقادی در نزد محمد ارکون، ویژگی در نقد عقل اسلامی، نقد عقل اسلامی در نزد محمد ارکون و چالش گفتمان سیاسی در نزد محمد ارکون، می پردازد. این کتاب به گونه نسبتاً مفصل و متفاوتی به روش شناسی محمد ارکون پرداخته است ولی آن چه که برای تحقیق حاضر دارای اهمیت است، بخش اخیر آن در باره اندیشه های سیاسی محمد ارکون است. نگارنده در این بخش به موضوعاتی چون اقتدار عالی الهی و حاکمیت های سیاسی، دیالکتیک دین و جامعه، اسلام و سکولاریسم و جنبش های اسلامی و سکولاریسم پرداخته است. بنا بر این این موضوعات فصول چهارم و پنجم پژوهش حاضر را پوشش می دهد.

۴- الحداثه فی فکر محمد ارکون (تجدد در اندیشه محمد ارکون)، فارح مسرحی، الدار العربیه للعلوم، الجزائر، سال ۲۰۰۶ میلادی.

فارح مسرحی در کتاب "تجدد در اندیشه محمد ارکون" به موضوعاتی چون ساختار تاریخی و فلسفی مدرنیته، نقد عقل اسلامی، بازخوانی میراث اسلامی، نوسازی جامعه اسلامی و گفتگو میان اسلام و غرب می پردازد. این کتاب نیز فصل "روش شناسی محمد ارکون" در پژوهش حاضر را تا حدودی پشتیبانی خواهد کرد.

۵- العقل الاسلامی امام تراث عصر الانوار فی الغرب / الجهود الفلسفیه عند محمد ارکون (عقل اسلامی در برابر سنت عصر روشنگری غرب / کوشش های فلسفی در نزد محمد ارکون)، رون هالیبر، ترجمه جمال شحید، انتشارات الاهالی، دمشق، سال ۲۰۰۱. رون هالیبر در این کتاب به مسایلی چون ناسیونالیسم و گفتمان دینی، پست مدرنیسم و ایمان و عقل اسلامی، معرفت شناسی عقل اسلامی و ایمان نبوی، بحران دولت و امت در ایدئولوژی های سیاسی اسلامی، اصلاحات لیبرالی و انقلاب

اسلامی، چگونگی قرائت متن مقدس در نگاه محمد ارکون، گسست های معرفتی در نگاه محمد ارکون، نااندیشیده ها در نزد محمد ارکون، و... پرداخته است. بدون شک موضوعات فوق در این کتاب در بخش های مختلف و تقریباً تمام فصول تحقیق حاضر قابل طرح و بحث است.

۶-العقل بین التاریخ و والوحی / حول العدمیه النظریه فی اسلامیات محمد ارکون(عقل بین تاریخ و وحی / در باره فقدان نظریه در اسلام شناسی محمد ارکون) / محمد المزوغی / منشورات الجمل / بغداد / چاپ اول / ۲۰۰۷.

این کتاب در نقد محمد ارکون نوشته شده و بسیاری از ایده های او را به باد انتقاد گرفته است. به ویژه پروژه نقد عقل اسلامی را که در اندیشه های محمد ارکون از فرایند نقد تاریخی صورت می گیرد مورد نقد جدی قرار گرفته و رد شده است. هم چنین نگارنده معتقد است که محمد ارکون علی رغم سخنان بسیار، فاقد یک نظریه منسجم در زمینه میراث اسلامی و نواندیشی دینی است. نگارنده هم چنین به دیدگاه های محمد ارکون در زمینه فهم و تفسیر قرآن، به ویژه در سوره توبه، می تازد و آن را نا کافی می داند. در مجموع می خواهد بگوید که آن چه محمد ارکون نقد تاریخی وحی و آموزه های دینی می خواند، از اساس باطل است، چرا که وحی ثابت و فرا تاریخی است در حالی که ارکون آن را نقد تاریخ مند می کند. تاریخ مندی اعم از زمان مندی و مکان مندی است، چیزی که آموزه های دینی به ویژه در قالب وحی الهی از آن در امان است.

علاوه بر کتاب های یاد شده مقالات متعددی نیز به زبان های زنده دنیا در باره آرا و اندیشه های محمد ارکون نگارش یافته است که یادآوری همه آنها در این جا تقریباً غیر ممکن است.

آنچه به طور کلی ایجاب می کند که، علی رغم نوشته های بسیار در مورد اندیشه های محمد ارکون، پژوهشی با عنوان "جوه سیاسی اندیشه انتقادی محمد ارکون" صورت گیرد، دو علت اساسی است:

الف: همه پژوهش های صورت گرفته، بجز کتاب "آرا و اندیشه های محمد ارکون"، نوشته مهدی خلجی، همگی به زبان های غیر فارسی به نگارش در آمده اند. کتاب آقای خلجی گرچه نخستین کتابی

است که به زبان فارسی نوشته شده است ولی این کتاب بیشتر به روش شناسی ارکون می پردازد تا برآیند های اندیشه اش. به همین خاطر کتاب "آرا و اندیشه های محمد ارکون" به هیچ یک از برآیند های سیاسی اندیشه انتقادی محمد ارکون، توجهی نمی کند.

ب: نکته مهم تر اینکه همه کتاب هایی که تا کنون در مورد اندیشه های محمد ارکون نوشته است، هیچکدام به طور مشخص، وجوه و الزامات سیاسی اندیشه انتقادی او را مورد توجه قرار نداده است.

بنا بر این همین دو امر و نیز ضرورت طرح و بسط اندیشه های محمد ارکون، ایجاب می کند که رساله ای به زبان فارسی به نگارش در آید.

مفروض ها

۱- از نگاه محمد ارکون، در جهان اسلام، عبور از سنت نه ممکن است و نه معقول. چرا که بنیاد زندگی و تاریخ مسلمانان را سنت پی می ریزد، بنا بر این نمی توان به راحتی آن را به بوته فراموشی سپرد.

۲- مدرنیته و تمدن غربی، به ویژه در بخش علوم انسانی و فلسفه، یکی از درخشان ترین بخش های تاریخ و تجربه بشری است.

۳- مطالعه سنت و فهم آن جز از طریق تجربه های انتقادی صورت گرفته در دیگر ادیان، ممکن نیست. به عبارت دیگر سنت جز از طریق فهم انتقادی، همواره به صورت فهم ناپذیر و نااندیشیده و در هاله ای از ابهام و باقی خواهد ماند. بنا بر این هم هم گفتمان سلفی گرایانه و عنادورزانه در برابر تجربه های بشری و هم گفتمان رادیکال مخالف سنت، ره به جایی نخواهند برد.

سوال اصلی

آیا مهمترین وجوه سیاسی اندیشه انتقادی ارکون، در راستای فرآیند تجدید حیات و نوسازی اسلامی است؟

سوالات فرعی

- ۱- روش انتقادی محمد ارکون دارای چه مولفه هایی است؟
- ۲- بنیاد معرفت شناختی اسلام در باره دین و جامعه چگونه سامان یافته است؟
- ۳- اسلام سیاسی معاصر چه نوع رابطه ای میان سنت و مدرنیته برقرار می کند؟
- ۴- از نگاه ارکون آیا میان اسلام و عرفی انگاری می توان نسبتی قایل شد؟
- ۵- از نظر محمد ارکون چگونه می توان میان دین، اخلاق و سیاست رابطه برقرار کرد؟

فرضیه

«از نگاه محمد ارکون مطالعه انتقادی (روزآمد) سنت اسلامی، آن را در فرآیند کارآمدی، بهره وری و اثربخشی و به عبارتی در فرآیند تجدید حیات و نوسازی قرار می دهد.»

توضیح فرضیه: از نظر محمد ارکون مطالعه و فهم انتقادی میراث اسلامی، آن را از بسیاری از بن بست هایی که امروزه به نظر می رسد با آن ها مواجه گردیده است، از جمله در عالم سیاست، می رهاند. به همین خاطر قرائت انتقادی از سنت اسلامی نیازمبرم در جهان اسلام به شمار می رود.

متغیر مستقل: روش فهم انتقادی

متغیر وابسته: سنت و میراث اسلامی

متغیرهای واسطه: روش ها و تجربه های انسان شناختی، جامعه شناختی، زبان شناختی، تاریخی جدید و هم چنین روش ها و تجربه های فیلسوفان متقدم مسلمان، چون ابن رشد، ابن مسکویه، جاحظ، ابوحنیفه توحیدی و...

واژگان و مفاهیم اساسی

مهم ترین مفاهیمی که محمد ارکون در پروژه اش به کار می گیرد و آنها را برای بیان هدف خود به استخدام در می آورد، عبارتند از: نقد عقل اسلامی، ناندیشیده ها و اندیشه ناپذیرها در سنت اسلامی، دیالکتیک دین و جامعه، دیالکتیک سنت و تجدد، اریکولوزی سنت، عقل کتابی، عقل شفاهی، عقل ارتدوکسی، عقل عقل مدرن، چالش معنا در سنت اسلامی، اراده معطوف به قدرت، خاطره جمعی، امر متخیل، مقدس، قهر، حقیقت، گسست معرفتی، متن مفتوح، متن مغلق (بسته)، کتاب، ام الکتاب، و ..

روش تحقیق

روش ما در این پژوهش متناسب با موضوع آن، توصیفی - تحلیلی؛ تحلیل متن و تحلیل محتوا است. روش توصیفی - تحلیلی است، چون می خواهیم در این جستار شرحی گذرا از منظومه فکری شخصیتی ارائه کنیم که از نگاه این قلم، نقش برجسته ای در جریان روشنفکری دینی داشته است. روش تحلیل محتوا (content analysis) روشی است که در آن کیفیت محتوایی داده ها مورد تفسیر (interpretation) و تبیین (explanantion) قرار می گیرد. به عبارت دیگر تحلیل محتوا روشی است که ما فی الضمیر مولف و خالق اثر را از ورای واژگان، تصاویر، جمله ها، داده ها و روشن می سازد و کسی با این روش به سراغ آثار می رود، در واقع به دنبال کمی سازی، کیفیت هایی است که در اثر و متن به کار فته است. (ساروخانی: روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۲۸۰) به همین خاطر موضوع اصلی تحلیل محتوا انسان ها و دانستگی های آن است. (ایرج ساعی ارسی: روش های پژوهش در علوم اجتماعی، ص ۱۴۰) طبیعی است که در مورد متون مکتوب هدف از به کار گیری روش تحلیل محتوا بدست دادن اهداف واقعی و پنهانی مولف است و در این فرایند تنها شیوه ای که به کار گرفته می شود، شیوه های تفسیری است. شیوه تحلیل محتوا بیشتر به سازمان درونی گفتار مربوط به می شود نه محتوای نسبتا آشکار و بیرونی گفتار. (ریمون کیوی: روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۲۳۹)